

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حمید مؤمنی (م . بید سرخی)  
بازتایپ و ارسال از: یوسف فرهادی هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما »  
۲۹ جولای ۲۰۲۰

## مختصری از تاریخ جامعه

۳

اصلاً در جماعت خانوادگی هر کاری رسم و آدابی داشت و همه این رسم و آداب را رعایت می کردند . بیشتر کارهای جماعت طبق رسم و آداب انجام می گرفت و کمتر کاری بود که از روی فکر و ابتکار یکنفر انجام گیرد . بدین دلیل هر کاری که می شد همه قبولش داشتند ، چون تمام آن ها رسم و آداب را قبول کرده بودند . البته رسم و آداب هم از آسمان نیامده بود بلکه آن ها را هم فکر و ابتکار انسان ها درست کرده بود ولی نه در عرض یک روز و دو روز و حتی چند هفته ، بلکه در عرض ده ها هزار سال ، هر کس گوشه ای از آداب و رسوم را ساخته بود و در عرض ده ها هزار سال هر کس چیزی به آن اضافه کرده بود . آداب و رسوم خیلی به کندی کامل می شد و هر کس سعی می کرد آن را درست اجراء کند . فقط وقتی که اجرائش خیلی مشکل می شد و یا اصلاً فایده ای نداشت و این موضوع زیاد اتفاق می افتاد ، آن وقت کس یا کسانی کم کم یا یکباره آن را تغییر می دادند و با شرایط جدید سازگارش می کردند . البته این تغییر آداب و رسوم همین طور بسادگی هم انجام نمی گرفت و اغلب سبب برخورد های شدید اجتماعی می شد . بگذریم .

گفتیم که جماعت اشتراکی خانوادگی خود زندگی و اقتصاد مستقلی داشت . این جماعت در گوشه ای ، در کنار چشمه یا رودخانه ای برای خود خانه درست کرده بود . زنان بچه ها را نگهداری می کردند و در اطراف محل سکونت خود کشاورزی می کردند و مردان به شکار می رفتند و لاشه حیوانات و سایر چیزهای قابل خوردن را به خانه می آوردند زنان چون در خانه می ماندند و کشاورزی هم می کردند و خلاصه ، زندگی را در محل سکونت اداره می کردند به رئیس خانواده تبدیل شدند ولی مردان چون صبح تا غروب فقط به دنبال شکار می رفتند و هر کس به گوشه ای از بیابان می رفت ، در نتیجه از کار اداره خانواده بی خبر بودند و ناچار گوش به فرمان زنان می کردند . این دوره را مادرشاهی نیز گفته اند ، یعنی دوره ای که زنان فرمانروای خانواده بوده اند .

چنان که گفتیم زندگی جماعت خانوادگی اشتراکی بود، یعنی هر کس هر چقدر که می توانست کار می کرد و غذا به دست می آورد یا تولید می کرد و آنگاه همه باهم محصولات و غذاهای به دست آمده را مصرف می کردند و کسی نسبت به چیزی حق مالکیت فردی نداشت ، در درون جماعت خانوادگی هم اگر اختلافی به وجود می آمد ، این اختلاف

به وسیله ریش سفیدان حل و فصل می شد . فرمان ریش سفید مورد پذیرش طرفین قرار می گرفت . اما در مورد دعوای خارجی یعنی تجاوز یک جماعت خانوادگی به جماعت خانوادگی دیگر ، مسأله با جنگ ختم می شد . به عبارت دیگر هر جماعت خانوادگی ابتداء مثل یک کشور مستقل بود و دو یا چند جماعت خانوادگی که در چند کیلو متری یک دیگر زندگی می کردند هیچ گونه پیوند و منافع مشترکی باهم نداشتند (البته این پیوند و منافع مشترک بین جماعت های خانوادگی یک منطقه بعداً در اثر ضرورت هائی کم کم به وجود آمد) .

هر جماعت خود دارای سرزمینی بود که در آن آب کافی ، زمین برای کشاورزی و مرتع و شکار گاه وجود داشت . به عبارت دیگر هر کجا که آبی و زمینی و شکارگاه مناسبی وجود داشت ، جماعت روستائی در آن ساکن می شد و برای خود خانه و کاشانه ای درست می کرد . گاهی اتفاق می افتاد که یک جماعت برای به دست آوردن آب و زمین و شکارگاه مناسب تر و بهتر ، مجبور می شد به حق جماعت های دیگر تجاوز کند . این تجاوز سبب جنگ بین دو جماعت می شد . جنگ آنقدر ادامه پیدا می کرد تا یک جماعت پیروز شود . جماعتی که پیروز می شد تمام اسیران جنگی را می کشت . به عبارت دیگر ، اصلاً کسی را اسیر نمی گرفت و هر یک از افراد دشمن را که به دستشان می رسید می کشتند . دلیل این کار آنها هم روشن است . زیرا اگر کسی یکی از افراد دشمن را اسیر می کرد ، می بایست به او غذا بدهد و چون برای سیر کردن شکم خودشان هم غذا به اندازه کافی وجود نداشت ، در نتیجه این کار را نمی کردند . از طرفی اگر هم می خواستند شخص اسیر را به کار وادارند ، این کار برای آنها صرف نداشت . زیرا کار شخص اسیر شکم خودش را هم نمی توانست سیر کند ، چه رسد به این که سودی هم برای اسیر کنندگان داشته باشد . در آن روزگار ابزار کار انسان عبارت بود از کلنگ سنگی و یک نفر آدم اگر هم از صبح تا غروب کار می کرد ، با چنین ابزاری ناقصی ، به اندازه شکم خودش هم نمی توانست تولید کند . بدین جهت نگاهداری اسیران فایده ای نداشت و آنهایی که در جنگ پیروز می شدند ، اسیران را می کشتند .

### برای مطالعه بیشتر

برای این که انسان ابتدائی و شکل زندگی او را بهتر بشناسید ، کتاب های زیر را بخوانید (اگر به ترتیب بخوانید بهتر است) :

- ۱ - چگونه انسان غول شد " اثر مشترک ایلین و سگال " لینک داندلود : جلد اول ([https://t.me/Oqab\\_Library/505](https://t.me/Oqab_Library/505)) و جلد دوم ([https://t.me/Oqab\\_Library/506](https://t.me/Oqab_Library/506))
  - ۲ - از میمون تا انسان " اثر فریدون شایان " لینک داندلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/503](https://t.me/Oqab_Library/503))
  - ۳ - مقدمه ای بر تاریخ " اثر م . بید سرخی " لینک داندلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/501](https://t.me/Oqab_Library/501))
  - ۴ - پیدایش انسان " اثر پرفسور نستورخ " لینک داندلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/504](https://t.me/Oqab_Library/504))
  - ۵ - پیدایش انسان و عقاید داروین " انتشارات سپهر " لینک داندلود : ([https://t.me/Oqab\\_Library/502](https://t.me/Oqab_Library/502))
- البته کتابهای دیگر نیز در این زمینه وجود دارد که مطالبشان سنگین تر است و برای خوانندگان این کتاب فعلاً قابل استفاده نیست .

### بخش ۳

#### نظام اجتماعی برده داری

#### نظام برده داری

#### از هم پاشیدن نظام برده داری

#### برای مطالعه بیشتر

### فصل اول

#### نظام برده داری

چنان که قبلاً گفتیم ، در حدود هفت هزار سال پیش در اثر تجربه انسان مس کشف گردید<sup>۲</sup> ( ذوب شدن سنگ مس درون آتش) . کشف مس باعث شد که انسان بتواند ابزار کار مسی ، از جمله کلنگ مسی بسازد کلنگ بسیار بزرگتر از کلنگ سنگی بود . این کلنگ دوتا جای دستی داشت و یک دسته ، یک نفر از جلو دسته آن را می گرفت و کلنگ را روی زمین می کشید ، یک نفر دیگر هم که به دنبال او می رفت جای دستی های کلنگ را می گرفت و روی زمین فشار می داد . در نتیجه زمین شخم زده می شد . شخم زدن با کلنگ مسی بسیار آسان تر بود با آن می شد روزانه زمین بیشتری را شخم زد ، زیرا کلنگ مسی بزرگ بود و دو جای دستی داشت و می شد آن را روی زمین کشید، در صورتی که کلنگ سنگی کوچک بود و جای دستی نداشت و نمی شد آن را در روی زمین کشید یعنی می بایست انسان آن را بالا می برد و به زمین می کوبید ، این کار خیلی سخت بود و شخم زدن یا کندن زمین به کندی انجام می گرفت . در حالی که با کلنگ مسی کار تندتر و بهتر انجام می پذیرفت . چیزی نگذشت که انسان به این نتیجه رسید که می توان کلنگ مسی را به یک حیوان مانند خر یا گاو بست . حیوانی که زورش هم حتی بیشتر از انسان است . این کلنگ مسی را که انسان آن را به حیوانات می بست ما خیش می نامیم خیش و سایر ابزار مسی سبب شد که تولید انسان بالا رود ، در نتیجه یک انسان می توانست روزانه بیشتر از آنچه که برای سیر کردن شکمش لازم است تولید کند . دیگر از این پس اگر جنگی در می گرفت اسیران جنگی را نمی کشتند، بلکه آن ها را زنده نگه می داشتند و از آن ها کار می کشیدند . کار اسیر ها دیگر برای اسیر کنندگان سود داشت . زیرا با ابزار جدید مسی هر کس می توانست بیشتر از آنچه برای سیر کردن شکمش لازم است ، تولید کند . بدین جهت از این پس اسیران جنگی را « برده » یا « بنده » می گفتند . بر یعنی سود و برده یعنی کسی که سود می دهد . بنده هم یعنی کسی که بسته شده است یا بند به دست و پایش است . برده ها از صبح تا غروب برای اسیر کنندگان خود کار می کردند و در عوض غذای بخور و نمیری به آنها می دادند . کار برده ها سبب شد که مقدار محصول و تولید جماعت خانوادگی زیاد شود . چون دیگر غذای کافی برای افراد جماعت خانوادگی وجود داشت و مقدار غذا حتی زیادتر از مقدار مصرف افراد جماعت بود ، انبارها پر از محصول شد و در نتیجه جماعت ها ثروتمند شدند . ریش سفیدان جماعت از نفوذ و اعتبار خود استفاده کردند و کم کم به مالک اموال و برده های جماعت تبدیل شدند . جماعت خانوادگی که قبلاً یک جامعه اشترایی بود شکش عوض شد به یک جامعه طبقاتی تبدیل گردید . ریش سفیدان و افراد با نفوذ جماعت به طبقه برده داران تبدیل شدند . در مقابل طبقه برده داران طبقه بردگان قرار داشت . بردگان با زنجیری که بر دست و پای داشتند در زیر ضربات شلاق و چوب برای برده داران زحمت می کشیدند . برده مانند حیوان بود و او را خرید و فروش هم می کردند . برده داران بردگان را هر طور که دلشان می خواست مجازات می کردند و کتک می زدند . بردگان نیز مجبور به اطاعت و انجام کار های وحشتناک و طاقت فرسا بودند . مأموران و مراقبان مواظب بودند که بردگان حتی لحظه ای هم از کار غافل نشوند .

برده داران هر چه ثروتمندتر می شدند ، طمعشان بیشتر می شد و بیشتر به فکر برده های زیادتر و دارائی فراوان تر می افتادند . در نتیجه آن ها به جماعت ها و جامعه های اطراف خود نیز حمله می کردند و مردمان آن سرزمین ها را اسیر می نمودند و به برده تبدیل می کردند . کم کمک شهر ها و کشور های بزرگ برده داری به وجود آمد . برده داران بزرگ پادشاه این کشور ها شدند . فرعون های مصر و پادشاهان جهان باستان از برده داران بزرگ دنیای قدیم بوده اند . این برده داران بزرگ هر چه زورشان بیشتر می شد ، بیشتر به سرزمین های دور و نزدیک حمله می کردند و مردمان آن سرزمین ها را اسیر و برده می نمودند .

امپراتوری بزرگ پارس یکی از امپراتور های بزرگ روی زمین بود. تمام کشورهای ایران و مصر و سوریه و عراق و ترکیه و پاکستان و افغانستان امروز و قسمت هائی از کشور شوروی جزء امپراتوری بزرگ پارس بوده است . البته برخی جماعت های خانوادگی این کشور ها را برده نکرده بودند . بلکه آن ها را به حال خود گذاشته بودند و فقط از آن ها سالیانه مالیات – های کلان و کمرشکن می گرفتند . این مالیات ها جنسی بود ، یعنی مأموران دولت، قسمت اعظم محصولات این جماعت ها را از آن ها می گرفتند . چون مقدار مالیات خیلی زیاد بود ، در نتیجه مردم جماعت های خانوادگی یا به کوه و بیابان به دنبال غذا فرار می کردند و برگ و ریشه درختان جنگلی و بیابانی را می خوردند و یا از گرسنگی می مردند. گذشته از گرفتن مالیات ، از این جماعت ها بیگاری هم می کشیدند . در سرتاسر امپراتوری ، این جماعت های مالیات پرداز وجود داشتند ، اما شکل اساسی روابط تولیدی جامعه ، برده داری بود . برده ها در مزارع و کشتزار های برده داران در شرایطی طاقت فرسا کار می کردند . ساختمان های عظیم دولتی و پرستشگاه ها و غیره را نیز بردگان می ساختند. بقایای بسیاری از این ساختمان ها هنوز وجود دارد مانند : اهرام سه گانه مصر و غیره .

( ۲ – مس ابتداء در مصر کشف شد . )

( ۳ – در بعضی جاها مانند هندوستان که ابتداء آهن کشف گردید ، خیش و ابزار آهنی سبب این کار شد . )

ادامه دارد...